

در بهمن ماه ۱۳۵۷ هنگامیکه انقلاب اسلامی پا به عرصه‌ی وجود گذاشت با توجه به تصویر جدیدی که از انقلاب ارائه نمود، تعجب جهانیان را به گونه‌ای برانگیخت که همه‌ی نظر‌ها را معطوف خود ساخته و تحلیل و تفسیر بسیاری از تحلیلگران سیاسی را دچار تغییرات اساسی نمود.

در میان تمامی ویژگی‌هایی که این تحول عظیم به دنبال داشت، نقش برجسته‌ی سه عامل دین، رهبری و حضور فعال، پرشور، فراگیر و قدرتمند مردم به عنوان مهمترین و مؤثرترین عوامل پیروزی انقلاب، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد. مبارزه با استکبار، مبارزه با ظالم، دفاع از مظلوم، عدالت خواهی و حق طلبی و یاری ستم‌دیدگان نیز از دیگر ویژگی‌های این انقلاب مردمی به شمار می‌روند.

در واقع همین ویژگی‌ها بود که انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخت و سبب گردید از همان ابتدای کار، دشمنی‌های پنهان و آشکار علیه نظام نوپای ایران اسلامی آغاز گردد. اما هم‌چنانکه انتظار می‌رفت معمار و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) با تبیین استراتژی بزرگ مردم محوری و تعیین نقش مردم در مشارکت برای سازندگی کشور و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی، با صدور فرمان تاریخی خود مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، یکی از مستحکم‌ترین و قوی‌ترین نیروهای دفاعی را قبل از شروع رسمی هرگونه تهدید، در برابر دشمنان نظام ایجاد نمود، به طوری که این تشکل مردمی به راحتی توانست به عنوان یک نیروی بازدارنده مناسب و قوی در برابر هزاران تهدید و توطئه‌ی دشمن در شرایط مختلف وارد عمل شده و به مقابله‌ی مؤثر با تهدیدات دشمن بپردازد.

حضور بسیج در طول ۸ سال دفاع مقدس تنها بخشی از نقش آفرینی این نیروی عظیم مردمی محسوب می‌شود. زیرا این سازمان مردمی بزودی و همگام با حضور فعال در جنگ موفق شد قابلیت‌های متعدد خود را برای حضور در عرصه‌های مختلف به اثبات رسانده و با انجام مأموریت‌های گوناگون و در عین حال متنوع، مفهوم جدیدی را از نظامی بودن ارائه نموده و به یکی از گسترده‌ترین سازمان‌های موجود در کشور که دائماً در حال رشد و توسعه می‌باشد، تبدیل شود.

توسعه‌ی متوازن بسیج در ابعاد مختلف، این توانمندی را در بسیج ایجاد نموده است که به راحتی بتواند خود را با موقعیت‌های مختلف و نیازمندی‌های متفاوت کشور تطبیق دهد. انعطاف‌پذیری نیز، از این سازمان مردمی، یک مجموعه‌ی چند منظوره و کاملاً متمایز با دیگر سازمان‌های نظامی و با پتانسیل بسیار بالا برای ورود مقتدرانه در عرصه‌های مختلف از جمله مباحث فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی به وجود آمد.

به عبارات دیگر این ره آورد به آن معنا خواهد بود که بسیج نه تنها در تمام شرایط آمادگی لازم برای دفاع نظامی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را خواهد داشت بلکه توانمندی لازم به منظور دفاع در تمامی عرصه‌ها، بخصوص عرصه‌ی فرهنگی و جنگ نرم که در حال حاضر مهمترین مسئله و ضرورت جامعه تلقی می‌شود را نیز در خود ایجاد نموده است.

این رویکرد یعنی گرایش حضور و عرصه‌ی جنگ نرم بمنظور دفاع در برابر تهاجمات بی‌وقفه‌ی دشمن نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و همانند گذشته حضور منسجم و پرشور نیروهای مردمی را می‌طلبد.

این مجموعه تلاش دارد تا ضمن معرفی اجمالی یادگار ماندگار حضرت امام خمینی(ره) (بسیج مردمی) و ساختار ستادی سازمان ارتش بیست میلیونی، ضمن افزایش آگاهی‌های عمومی، زمینه‌های لازم را برای سرعت بخشیدن به روند توسعه و تکمیل این نیاز حیاتی کشور فراهم و مردم عزیز ایران اسلامی را با فرآیند توسعه و تکامل بسیج بیش‌تر آشنا نماید.

این مجموعه تلاش می‌کند در این برهه حساس تاریخ انقلاب برای آشنایی بیش‌تر به بسیج و افزایش آگاهی عمومی نسبت به یادگار ماندگار حضرت امام خمینی(ره) نگاهی اجمالی به تاریخچه و سیر تکوین بسیج در دوره‌های مختلف انقلاب داشته باشد و گذری به کارکرد‌ها و عملکردهای عمده آن بنماید.

## تاریخچه

سال ۱۳۴۲، یعنی سال شروع مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی (ره) سال آغاز بسیج بشمار می رود. در اندیشه اسلامی امام (ره)، بسیج کردن مردم، لازمه انقلابی است که حرکت های اولیه آن از ۱۵ سال قبل، آرام آرام و با برنامه ای صحیح و حساب شده سیر می کند. برنامه صحیح امام (ره) عبارت از این بود که پرچم مبارزات را برافراشت و برای نگهداری آن ابتدا افراد خاص را بسیج کرد یعنی علما و طلاب حوزه علمیه را برای مبارزه آماده ساخت و اعلام کرد مبارزینی که باید پایه های انقلاب و بسیج را استوار سازند، هم اکنون در گهواره هستند.

خواصی از یاران امام (ره) که درس بسیج کنندگی مردم را از معلم خود آموخته بودند در اندیشه سازمان دادن مردم و ایجاد حرکت ها و جنبش های مردمی خود، به دور هم جمع می شوند، مشورت می کنند که اگر انقلاب اسلامی به رهبری امام (ره) به پیروزی برسد امام چه کار باید بکند؟ آیا بر نیروهایی تکیه خواهد کرد که در اختیار رژیم قبلی بودند؟ یا از نو و بنیادی، نیروی مسلح جدیدی را تشکیل می دهند؟ اگر راه کار اول عملی شود، چه خواهد شد و اگر راه کار دوم به نتیجه برسد، چه خواهد شد؟ هر کسی يك نظری داشت نظر ها جمع شد شهید حجه الاسلام محمد منتظری (مصاحبه کننده سوال کرد این واقعه در چه سالی بود؟ حجه الاسلام رحمانی گفتند سال ۱۳۵۱ یا ۱۳۵۲ در نجف اشرف این بحث ها انجام گرفت) گفتند من می خواهم نتیجه جلسه را خدمت امام عرض کنم و از امام رهنمود بگیرم. ایشان رفتند خدمت امام و گفت ما چنین بحثی داشتیم و هر يك از دوستان نظری داشتند، فلانی این را می گفت، فلانی آن را می گفت و ... امام در پاسخ چنین اندیشه ای فرمودند: من اشتباهی را که آقای دکتر مصدق مرتکب شدند به هیچ نحوی مرتکب نخواهم شد. آن ها به زاهدی و دوستان ایشان، به زاهدی تانک سوار اعتماد کردند و این خطا بود به حول و قوه الهی برای حفظ نظام و سرزمین ملت شریف ایران بسیج را راه خواهم انداخت ” (مصاحبه اختصاصی با حجه الاسلام محمد علی رحمانی مسئول وقت بسیج مستضعفین و نماینده ولی فقیه در نیروی انتظامی ج. ا. ایران)

اولین جرعه تشکیل بسیج در نجف اشرف ایجاد می شود، در شرایطی که رهبر بسیج و بسیج گران واقعی همگی در خارج از کشور و در تبعید به سر می برند و در حالی که هنوز حدود ۷ سال به پیروزی انقلاب اسلامی باقی مانده است کلمه زیبای بسیج از اندیشه امام خارج می شود و بر سر زبان آمده و در جمع عده ای از بسیجیان واقعی بیان می شود. همین جمع در نجف اشرف پس از اینکه اندیشه بسیج سازی مردم را می شنوند، جلسه را ادامه می دهند که چگونه بسیج راه بیفتد؟

در سال های بعدی یعنی ۵۳، ۵۴، مبارزین و گروه های انقلابی علیه رژیم پهلوی، فعالیت گسترده ای را انجام می رسانند برخی از گروه ها انشعاب پیدا می کنند قیام مسلحانه رونق بیشتری می گیرد، جنبش های دانشجویی در دانشگاه های تهران و شهر های بزرگ اتفاق می افتد و در این میان گروه های اسلامی اعم از مجاهدین انقلاب، مؤتلفه اسلامی، فدائیان اسلام، مجاهدین خلق قوی تر از گروه های مارکسیستی و لیبرالیستی عمل می کنند و در نتیجه فشار رژیم علیه نیروی انقلابی و اسلامی بیش تر می شود، دستگیری ها و تبعید ها بیش از گذشته انجام می گیرد. و مبارزات علیه رژیم به صورتی تشکیلاتی و حزبی و گروهی صورت می گیرد که هدایت و رهبری آن توسط کسانی انجام می گیرد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در صدرمسئولیت های انقلابی قرار می گیرند و مورد تأیید امام خمینی (ره) واقع می شوند. یعنی رهبران انقلاب به سمت اندیشه های تشکیلاتی پیش می روند و در صدد بر می آیند تا حزبی یا گروهی را ایجاد کنند و یا از گروه های انقلابی حمایت کنند ولی اندیشه امام در این برهه از تاریخ انقلاب و تاریخ بسیج اندیشه ای ناب و بر گرفته از استراتژی دفاعی رسول الله (ص) است که تأکید بر توده مردم و آحاد ملت دارد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص می گویند:

“ من فکر می کنم ریشه این پدیده بزرگ را باید در افکار اسلامی امام و آن تفکراتی که ما در مورد اتکا به مردم و دفاع مردمی و حضور مردم در صحنه با برداشت از مبانی اسلامی قرآنی و فقهی داشتیم این تفکر در همه دوران مبارزه بوده قطعاً شما بی اطلاع نیستید که امام در مورد دوران مبارزه همیشه تکیه شان بود باید مسائل را با مردم حل بکنند. با احزاب و گروه ها گاهی کار می کردند ولی همانجا هم به آن ها می گفتند که بالاخره شما هم باید مردم را جذب بکنید شورای مبارزه ای هم که امام داشتند این بود که بالاخره طلبه ها، و عاظم در مساجد و مراسم با مردم سر کار داشتند مردم را آگاه می کردند، هر وقت مطلبی داشتند با مردم در میان می گذاشتند ... قبل از اینکه ما حکومتی داشته باشیم و مبارزاتمان به پیروزی برسد [این اندیشه] در تفکرات امام بوده است. حالا ما شاید چون جوان تر بودیم بیش تر به فکر تشکیلات و نظم امور بودیم اما ایشان زیاد هم به تشکیلات اهمیت نمی دادند آن طبیعت مردم و آگاهی عمومی برایشان مهم بود. ما این ۱۰-۱۵ سالی که بعد از شروع مبارزه، با امام سر کار داشتیم تو مبارزه، تا آخر هم ایشان در این تفکر ماندند.

بعد از ۱۵ خرداد (۱۳۴۲) شما گروه های سیاسی را می بینید. گروه های مخفی تشکیل می شوند به تدریج گروه های مسلح و مبارزه مسلحانه پیش می آید این ها را امام (ره) نفی نمی کردند که بگویند نباشد ولی هیچ

وقت هم به این ها اتکا نمی کرد باز نجف هم که بودند ارتباطی که اگر هم داشتند با این طور چیز ها ارتباط نداشتند، با واسطه هایی ارتباط داشتند که توده های مردم را بسیج کنند” (مصاحبه اختصاصی با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی) مطالعه روی دیدگاه های امام راحل (ره) نشان می دهد که ایشان اعتقادی به تشکیل احزاب و گروه های سیاسی که باعث فاصله گرفتن از مردم و بدنه اجتماع شود، نداشتند ولی این بدین معنی نیست که امام برنامه ای برای تشکل ها نداشته باشند بلکه برنامه ریزی صحیح و قوی یکی از ویژگی های اداره حکومتی ایشان بوده است و بدون برنامه منسجم حرکتی را آغاز نکرده و یا تشکل را بوجود نیاورده اند.

یک نکته حساسی در دیدگاه امام (ره) باید روی آن شناخت پیدا کنیم سپس متوجه می شویم وجود دارد و آن فرمان هایی است که امام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی پس از دیگری برای تشکیل برنامه های مختلف و نهاد های مختلف دادند برنامه ریزی شده در تفکر و اندیشه امام بوده است. اینطور نبوده که فی البداهه حضرت امام (ره) تشخیص بدهند همین الان باید کاری انجام شود بنابراین باید این حکم داده شود یا این دستور صادر شود و برای تشکیل بسیج مستضعفین یا کمیته ها که پس از پیروزی انقلاب تشکیل شده اند یا فرمان تشکیل سپاه پاسداران و حتی حساب ۱۰۰ حضرت امام (ره) که هر کدام از این ها اگر دقت شود یک فرم زیبایی برای تکمیل و تدوین حکومت را دارد شکل می دهد. وقتی با دقت نگاه کنیم می بینیم که حضرت امام (ره) قبلاً در این قضایا دقیقاً یک برنامه ریزی دارند یا شاید خودشان نوشتارش را داشته باشند ولی ما این را از روش رفتاری امام می بینیم. نکته دیگر اینکه هر جا بحث از حکومت اسلامی کردند، یک طرف قضیه مردم را در نظر داشتند، همه جا می گوید حکومت و مردم یعنی یک دستشان مسئله حکومت را دارد تدوین می کند و حکومت ولایی را عرض می کنم و سمت دیگر مردم را توی دستشان انسان لمس می کند.”

در اندیشه امام راحل، همواره دو نکته اساسی در سر لوحه مبارزه وجود داشت که به روشنی قابل دیدن است نکته اول اینکه مبارزه برای ایجاد یک حکومت و حاکمیت صورت گیرد و نکته دوم اینکه حکومت باید ماهیت اسلامی داشته باشد و حاکمیت مردم اساس حکومت اسلامی است. شاید بتوان گفت یکی از دلایل طولانی شدن مبارزه علیه رژیم پهلوی همین نکته باشد که هر نوع مبارزه باید بر پایه حضور مردم و با آگاهی آحاد جامعه صورت گیرد. ارتباط حضرت امام در خارج از کشور با ایران، بدون واسطه تشکیلاتی و حزبی صورت می گیرد و به گونه ای با مردم سرو کار دارد که حتی شخصیت های انقلابی که در درون کشور مبارزه می کردند، کمتر توانستند پایه پای اندیشه امام (ره) راه بروند و گاه تلاش می کردند تا بجای بسیج مردمی، بسیج حزبی و بسیج تشکیلاتی را جایگزین کنند که امام (ره) (مصاحبه اختصاصی با سر کار خانم دباغ (حدبچی)) هرگز آن را نپذیرفتند.

روند شکل دهی و تأسیس بسیج در اندیشه امام خمینی (ره) روبه رشد و کمال حرکت می کند. این اندیشه به مرور زمان در افکار اطرافیان امام و کسانی که در مبارزه با ایشان همراه بودند، رسوب می کند. وقتی امام وارد ایران شدند و شب ها و روز ها یکی پس از دیگری به سوی فجر و پیروزی سپری می شد. یکبار دیگر جمله زیبایی بسیج در دوران تاریک شاهنشاهی نور افشانی می کند. گویا بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برای سازماندهی مردم و جهت دهی به حرکت های مردمی برنامه ای دارند تا به محض پیروزی، جنبش ها فروکش نکنند و حرکت های خود جوش و جوشش های همگانی به هر طرف روانه نشود.

“از مرحوم شهید حجه الاسلام محلاتی شنیدم وقتی که از ۱۲ بهمن سال ۵۷ امام وارد ایران شدند و علما، شخصیت ها و بزرگان برای ملاقات به تهران می آمدند و در مدرسه علوی با امام دیدار می کردند یکی از رؤسای انجمن حجتیه خدمت امام رسیدند و گفتند ما ۱۵ هزار جوان آماده و خوب تربیت کردیم که فرزندان امام زمان هستیم و برای اداره دولت آینده در اختیار شما قرار می دهیم. امام فرمودند من نیاز به آدم های مارک دار ندارم، همه جوانان این کشور، فرزندان و سربازان امام زمان (عج) هستند. بعد از قول دک تر بروجردی (داماد حضرت امام) نقل می کند که بعد که به خانه آقا رفتیم گفتم آقا شاید نیرو های خوبی داشته باشند شما همه این ها را رد کردید. امام به آقای بروجردی فرمودند “من در اندیشه تشکیل بسیج ام” (مصاحبه با حجه الاسلام رحمانی)

مطالب فوق به خوبی نشان می دهد که امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۱ و شاید قبل از آن در اندیشه تشکیل حکومت اسلامی به سبک و روش که رسول گرامی اسلام (ص) آن را پیاده نموده اند، بودند. برای تشکیل حکومت اسلامی شرایط و زمینه هایی احتیاج داشت. تأکید بر حضور مردم و مردمی کردن قیام و انقلاب، استراتژی مدون رهبر انقلاب بوده است. عدم اتکا به احزاب و گروه های اسلامی و انقلابی و تأکید بر علما و بزرگان، به ویژه اصحاب و یاران انقلاب بر این نکته که به مردم اعتماد کنید و اعتقاد داشته باشید، در واقع برای تحقق شرایط واقعی استراتژی حرکت مردمی است.

تفکر بسیج و سازماندهی مردم برای برپایی انقلاب و شاید مهمتر از آن، برای تداوم و استمرار انقلاب اسلامی از همان زمان در برنامه ریزی بلند مدت امام (ره) جایگاه مهمی داشت. ابراز این تفکر در سال ۴۲ و سپس در سال ۱۳۵۱ یا ۵۲ و جمله “من در اندیشه تشکیل بسیج ام” در دهه فجر انقلاب اسلامی بهترین شاخص و

گویا ترین نشانه برابر برنامه ریزی دقیق و صحیح معمار انقلاب اسلامی در تأسیس بسیج انقلاب اسلامی است.

امام خمینی (ره) در اندیشه تشکیل بسیج، دوران مبارزه یعنی در مقطع یک و نیم دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سه موقف و ایستگاه مبارزاتی، بسیج را طرح می کنند. در نقطه آغازین یعنی سال ۱۳۴۲، اشاره ای تلویحی به بسیج دارند و آن اینکه یاران من در گهواره اند. در سال ۱۳۵۱، در نجف اشرف، وقتی یاران ایشان طرحی ارائه می کنند، ایشان همه ذهن ها را به سمت تشکیل بسیج سوق می دهند و برای جلوگیری از ارتکاب اشتباه استراتژیک نهضت های گذشته، پدیده بسیج را ضامن و بیمه کننده می دانند، این ابراز صریح و روشن بسیج در اواسط مبارزه اتفاق می افتد و در موقف سوم، در روز های واپسین مبارزه و نهضت جمله ای بیان می شود که نقطه عطف تشکیل بسیج در جمهوری اسلامی ایران بشمار می رود.

وقتی که مبارزات انقلابی به رهبری امام (ره) به پیروزی رسید، گروه ها و احزاب زیادی همراه امام حرکت کردند و در برپایی انقلاب سهم داشتند، که به طور کلی سه گروه یا سه طبقه از گروه ها و احزاب قابل ذکرند گروه های اسلامی، گروه های ملی متمایل به انقلاب اسلامی و گروه های چپ (گروه های مارکسیستی و غیر اسلامی) که در میان آنان فقط گروه های اسلامی برای اداره کشور و تداوم انقلاب قابل اعتماد بودند. شاید از همین روی بوده است که امام خمینی (ره) هیچ گروه و حزبی را تأیید نکرده اند به گفته آقای هاشمی رفسنجانی “ اجازه تشکیل حزب خواستیم ایشان موافقت نکردند ” (مصاحبه با هاشمی رفسنجانی) و آقای رحمانی در این زمینه می گوید: “ امام سیاست عمومی اش مبتنی بر جنگ مسلحانه نبود، تکیه اش بر سازمان ها و گروه ها نبود، با اینکه بسیاری از سازمان های داخلی، حتی گروه های مبارز سیاسی و حتی نظامی مسلح در کشور به عنوان مبارزه با رژیم طاغوت شکل گرفت و چه بسا هم مورد حمایت روحانیت بود یعنی خود ما آن روز برای مبارزین اعلامیه پخش می کردیم .... اما حضرت امام همه این مسائل را دیدند و بسیاری هم به بنده پیغام آوردند که مثلاً این گروه ها را این مسلحین را که اینقدر باعث جلب توجه عامه جوان ها شدند آن ها تأیید شوند امام هرگز تأیید نکردند حتی احدی را ” (مصاحبه با آقای رحمانی)

مشی امام در قبل از پیروزی انقلاب عدم اتکا به احزاب و گروه ها و تأکید بر مردمی کردن مبارزه بوده است و در برهه پس از پیروزی نیز این مشی استمرار پیدا کرد. به رغم اینکه گروه های زیادی در پیروزی انقلاب سهم داشتند و گروه های متعددی نیز پس از پیروزی تشکیل شده اند و یا اینکه در صدد تأسیس و راه اندازی بودند، اما هیچ انعطاف و تغییر اساسی در اندیشه امام برآی اداره حکومت اسلامی بوجود نیامد. بلکه اندیشه ای مالا مال از مسئولیت پذیری مردم در اداره جامعه داشته اند. بنابراین وقتی به فاصله یک روز پس از پیروزی انقلاب، کمیته انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مردمی ترین نهاد ها (در مقطع اوان پیروزی) و سپس جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأسیس می شود که هر کدام برای پاسخگویی به نیاز های اساسی و ضروری انقلاب ایجاد شده اند. که ویژگی مشترک تمامی نهادها، مردمی بودن آن به حساب می آید، اندک زمانی سپری نمی شود که ضرورت تشکیل بسیج احساس می شود.

“ امام در انقلاب و اداره کشور، مبتنی بود بر حضور و کمک گرفتن از مردم یعنی از طریق کمک های مردم همه کار ها را به اجرا در آوردن، در زمان انقلاب هم همین است، اصلاً مردم را مورد خطاب قرار می دادند، برای تشکیل یک نهاد مردم مورد خطاب قرار می گرفتند، بعد یکی هم قرار می دادند که کار را پیگیری کند در جریان پاوه که سقوط کرد، آنجا باز مردم را خطاب قرار دادند که باید این کار را بکنید. در قبل از انقلاب، در واقع حضور مردم و کار ها از طریق مردم انجام دادن، دیدگاه امام بود چون یک نهاد و سازمان و تشکل خاصی وجود نداشت، معمولاً به صورت غیر متمرکز و مستقیماً مورد خطاب قرار می دادند مجری اش هم علما و کسانی بودند که جدا جدا به امام وصل بودند. امام می خواستند در واقع هر حادثه ای، هر فتنه ای و هر چیزی را با حضور سازمان یافته مردم حل و فصل کنند ”.

(مصاحبه با سردار سید حجازی – فرمانده نیروی مقاومت بسیج)